



جای دادن دانش آموزان با ناتوانی شدید در آموزش تربیت بدنی عادی

مترجم: توران مرزبان پناه، دبیر تربیت بدنی شهرستان فومن

چکیده

امروزه دانش آموزان با ناتوانی‌های متعدد جسمی و ذهنی خفیف تا شدید، در حال ورود به محیط‌های تربیت بدنی عادی هستند و از معلمان تربیت بدنی می‌خواهند که برنامه‌ی مناسبی برای این دانش آموزان فراهم کنند. روش پیشنهادی این مقاله، توسعه‌ی ایستگاه‌های مهارتی است که به‌طور موفقیت‌آمیزی تعداد متنوعی از دانش آموزان را با اختلالات متعدد، در تربیت بدنی عادی پوشش می‌دهد [کسر و بلاک^۱ ۱۹۹۱] [پسنتینو و کرانفیلد^۲ ۱۹۹۱ و پسیورک و بلاک].

توسعه‌ی ایستگاه‌های مهارتی سنتی فواید زیادی دارد، از جمله:

۱. کلاس طوری سازمان‌دهی می‌شود که فرصت تمرین و انگیزه‌ی هر کدام از دانش آموزان حداکثر باشد. دانش آموزان در هر کدام از ایستگاه‌ها به مدت کمی توقف می‌کنند (پنج تا ۷ دقیقه) و در این مدت آن‌ها می‌توانند با اشتیاق بر روی یک مهارت ویژه کار کنند.

۲. هر دانش آموز بر روی مهارت مربوط به سطح و حیطه‌ی خودش کارش می‌کند. دانش آموزان ناتوان، در سطح خودشان روش‌هایی را مورد استفاده قرار می‌دهند که توانایی‌های آن‌ها در آن روش‌ها گنجانده شده است. در حالی که دانش آموزان عادی در سطح خودشان کار می‌کنند، هیچ دانش‌آموزی برای جبران محدودیت یا شرایط، نیازمند وفق دادن خود با دیگران نیست. مثلاً آیا این جواب‌ها نمره‌ی مورد نظر را دربر خواهد داشت؟ یا این فعالیت‌ها هماهنگ هستند؟

۳. دانش آموزان ناتوان قادرند روی فعالیت‌هایی که براساس تفاوت سنی مرتب شده، با همکلاسی‌های خود شرکت کنند (همان‌هایی که ناتوانی ندارند). چنین زمینه‌ای برای دانش آموزان ناتوان فرصتی فراهم می‌کند که مهارت‌های مفیدتر اجتماعی را بیاموزند و ممکن است شرایطی را برای دانش آموزان عادی به‌وجود بیاورد که از توانایی‌های منحصر به‌فرد همکلاسی‌های ناتوان خود آگاه شوند.



کلید واژه‌ها: (IQ)^۱، (VPP)^۲، (VG)^۳، (دیستروفی)^۴، پیوستار تکاملی، یک پارچه سازی، متد جایگزین.

مقدمه

هدف این مقاله، ارائه‌ی راهکارهایی است برای آموزش و شرکت دادن دانش‌آموزان دارای معلولیت و ناتوانی‌های شدید و خفیف مغزی، جسمی و حرکتی در برنامه‌های عادی تربیت‌بدنی مدارس راهنمایی و ابتدایی. در این مقاله، مدل‌هایی پیشنهاد شده است که چنین دانش‌آموزانی بتوانند همانند هم‌سن و سالان خود، در کلاس‌های تربیت‌بدنی عادی شرکت کنند و مهارت‌های گوناگون با سطوح متفاوت ساده تا پیشرفته را فرا گیرند.

در این روش دانش‌آموزان با ناتوانی‌های متعدد ذهنی و جسمی، فرصت می‌یابند برای برآوردن نیازهای منحصر به فرد خود در محیط یکسان، بدون نیاز به وفق دادن خود با دیگران، به توسعه‌ی مهارت‌های حرکتی بپردازند. هرچند که پیشرفت یادگیری حرکتی این افراد به طرز نگران‌کننده‌ای کند است، همان تغییرات کوچک و کند در پیوستار، گویای پیشرفت‌های چشمگیر این افراد است.

جای دادن دانش‌آموزان با ناتوانی شدید در آموزش تربیت‌بدنی عادی، گسترش ایستگاه‌های مهارتی سنتی

روند جاری، یک روش مخصوص است. جای دادن حداکثر بچه‌هایی که ناتوانی جسمی شدید دارند، نه تنها در مدارس عادی، بلکه در همه‌ی فعالیت‌های آموزشی عادی [جین کریکو^۵ و پوتنام ۱۹۹۱ و اشتاینیک^۶ ۱۹۹۰].

به‌عنوان پیامد مستقیم این روند افزایش دائمی، تعداد دانش‌آموزان با ناتوانی در تربیت‌بدنی عادی جای داده می‌شوند [اوفسر^۷ ۱۹۹۱، گروس^۸ ۱۹۹۱]. در حالی که مخالفت بر سر تناسب و یک‌پارچه نمودن دانش‌آموزان دارای ناتوانی، در برنامه‌ی عادی تربیت‌بدنی هم‌چنان ادامه دارد، واقعیت آن است که از تعدادی از معلمان و مربیان می‌خواهند که دانش‌آموزان ناتوان را در برنامه‌های عادی خود بپذیرند. برای مربیان تربیت‌بدنی و مشاورینی که به این مربیان خدمات می‌دهند، تهیه‌ی یک برنامه سالم و مناسب برای این دانش‌آموزان یک چالش است.

ایستگاه‌های مهارتی سنتی

یک روش برای جای دادن دانش‌آموزان با ناتوانی‌های متنوع در برنامه‌ی تربیت‌بدنی عادی، از طریق ایستگاه‌های مهارتی است. به‌کارگیری ایستگاه‌های مهارتی برنامه‌ی جدیدی نیست و اغلب

برای طراحی تربیت‌بدنی در مدارس عادی ابتدایی و راهنمایی توصیه شده است [زکرایسک^۹ و کرنس ۱۹۸۶].

در ایستگاه‌های مهارتی سنتی، چندین ایستگاه (تعداد ایستگاه‌ها متنوع است و بستگی به اندازه‌ی کلاس دارد) می‌توان ترتیب داد. (بسکتبال یا مهارت‌های تعادلی). سپس به گروه‌های کوچک سه تا پنج نفره تکلیف می‌شود، در یک ایستگاه بر روی مهارت ویژه کار کنند (دریبل در بسکتبال یا کار تیمی بر روی دستگاه تعادلی). هر ایستگاه شامل وظایف و چالش‌هایی است که معمولاً در یک پیوستار تکاملی ردیف شده‌اند. هر دانش‌آموز وظیفه‌ای را انتخاب می‌کند که طی پیوستار او را می‌آزماید. در عین حال این وظیفه در سطحی است که پیروزی یا پیش‌رفتی را برای او به‌همراه خواهد داشت. وقتی معیار یا نتیجه در یک سطح حاصل شد، دانش‌آموز به سطح بعدی مهارت در پیوستار می‌رود. بعد از پنج تا هفت دقیقه فعالیت در یک ایستگاه، گروه به ایستگاه بعدی می‌رود، تا گروه‌ها به همه‌ی ایستگاه‌ها بروند.

این روش به معلم مجال می‌دهد تا از ایستگاهی به ایستگاه دیگر برود و مهارت‌ها را تقویت کند و دانش‌آموزان را به صورت انفرادی یاری دهد. چنین روشی با همبازی دستیار معلم یا فرد دیگری با چنین موقعیتی، کامل می‌شود و به آسانی با سطوح مهارتی گوناگون در کلاس تربیت‌بدنی عادی به همراه دانش‌آموزان با ناتوانی خفیف یادگیری و عقب‌ماندگی ذهنی خفیف و دانش‌آموزانی با عملکرد عقلی پایین‌تر از متوسط که معمولاً با IQ پایین‌تر از ۷۰ تا ۷۵ تعریف می‌شوند و دارای محدودیت‌هایی در مهارت‌های لازم زندگی روزانه هستند، قابل اجراست.

مشکل محدودی ایستگاه‌های سنتی آن است که آن‌ها اغلب نیازهای دانش‌آموزان با ناتوانی شدید را برآورده نمی‌کنند. سطوح مهارتی دانش‌آموزان با ناتوانی‌های شدید، اغلب به روشنی پایین‌تر از سطوح مهارتی در پیوستار است و پیشرفت این دانش‌آموزان در یک مهارت ویژه به‌طرز ناراحت‌کننده‌ای کند است. به‌علاوه برخی از دانش‌آموزان که ناتوانی‌های جسمی دارند، نمی‌توانند مهارت موجود در متدهای سنتی را اجرا کنند. مانند فلج دو طرفه مغزی که باعث از دست دادن کنترل ارادی و هماهنگی ماهیچه‌ها می‌شود یا دیستروفی (تحلیل رفتگی) عضلانی که ارثی است و با تحلیل پیشرفته‌ی ماهیچه‌های اسکلتی همراه است.

پیشرفت کند و نیاز به به‌کارگیری روش‌های مختلف برای انجام مهارت حرکتی، اغلب به‌عنوان دلیلی برای محروم کردن چنین دانش‌آموزانی از شرکت در تربیت‌بدنی عادی ذکر می‌شود [دان و کرفت^{۱۰} ۱۹۸۵، گروس ۱۹۹۱]. منظور از این نوشتار این

توسعه ایستگاه‌های مهارتی، مستلزم فهرست کردن سلسله مراتبی مهارت‌ها در طول یک پیوستار تکاملی است، هر چند پیوستار با سطح پایین شروع می‌شود و مراحل ترقی کوچک‌تری بین سطوح موجود است، تا دانش‌آموزان با سطح ناتوانی شدید را در خود جای دهد

کار می‌کند. (همه‌ی دانش‌آموزان، شوت کردن را در سطح خودشان انجام می‌دهند). به‌علاوه دانش‌آموزی که معلولیت مغزی دارد، روی مهارت‌های دیگری که به‌طور اختصاصی برای او سودمند است، فعالیت می‌کند (کنترل سر، تمرکز روی اشیاء، پیروی از دستورهای شفاهی و حرکت دست برای انجام یک فعالیت). روش فعال کردن کلیدها می‌تواند به‌عنوان تفریحی اختصاصی، برای برآوردن نیازهای منحصر به فرد او باشد. در زمان آزمایش مهارت‌های ایستگاهی توسعه یافته، به‌ضمیمه کردن روش‌های جایگزین، برای آن دسته از دانش‌آموزانی که نمی‌توانند توپ را دربیال کنند توجه داشته باشید. این روش‌ها باید به نحوی در پیوستار جای داده شود که این دانش‌آموزان (معلول جسمی) همیشه موفق باشند. هم‌چنین توجه کنید که پیوستار نسبت به مهارت سنتی، مراحل بیشتری دارد که برای نشان دادن تغییرات کوچک‌تر در پیشرفت، به ترتیب قرار گرفته‌اند.

کلید اشاره‌ها، مقادیر متنوع کمک و یاری را که یک دانش‌آموز نیاز دارد تا یک تکلیف محوله را انجام دهد، فهرست می‌کند. پیشرفت را می‌توان با ثبت تغییرات در سطح کمکی که یک دانش‌آموز نیاز دارد مشخص کرد. مثلاً دانش‌آموز با ناتوانی‌های شدید ممکن است یک فعالیت را با اشاره‌های شفاهی، جسمی و حرکتی (VPP) در چند تلاش اولیه انجام دهد، اما ممکن است به سرعت به اشاره‌ی شفاهی و اشاره با حرکات بدنی یا ادا و اطوار (Vg) پیشرفت کند. این دانش‌آموز به‌رغم این‌که بر اساس پیوستار مهارت، به‌طور واقعی پیشرفته نیست، اما پیشرفت کرده است. توجه داشته باشید که ایستگاه مهارتی تا اندازه‌ای توسعه می‌یابد که فعالیت‌های مناسب و چالش برانگیزی را برای دانش‌آموزان عادی هم فراهم نماید، حتی دانش‌آموزان با مهارت بالا، فعالیت‌های بسیار مشکلی را در بخش انتهایی پیوستار خواهند یافت. تنها تفاوت آن است که توسعه‌ی ایستگاه‌ها ابزاری را فراهم می‌کند که به‌وسیله‌ی آن دانش‌آموزان با ناتوانی‌های شدید قادر خواهند بود با موفقیت در فعالیت‌هایی که بر اساس تفاوت سنی آن‌ها تهیه شده، با هم‌سالان عادی خود شرکت کنند.

پی‌نوشت

1. Kasser and Block
2. Passentino and Cranfield and Paciorek and Block
3. IQ = Intelligence Quotient = بهره‌ی هوشی
4. VPP = Verbal and Partial Physical cues =
اشارات کلامی و فیزیکی جزئی
5. VG = Verbal and Gestural cues = اطوار و اشاره یا ادا
6. Dystrophia
7. Giangreco and Putnam
8. Stainbch
9. Aufsesser
10. Grosse
11. Zakraisek and Karnes
12. Dunn and Craft

منبع

<http://www.the.freelibrary.com/Everyone+Increasin+Particip ation + Of+ special+ needs + Children +a089970426>

نیست که آیا دانش‌آموزان با ناتوانی شدید باید در تربیت بدنی عادی شرکت کنند یا خیر؟ واقعیت موجود در مدارس نواحی آن است که دانش‌آموزانی با ناراحتی و نواقص جسمانی شدید (آن‌هایی که به‌طور شناختی آگاه هستند) می‌خواهند در فعالیت‌های آموزشی یکسان با هم‌سالان خود شرکت کنند و این سؤال پیش می‌آید که معلم ورزش که از او خواسته شده، دانش‌آموزان ناتوان را هم در یک کلاس تربیت‌بدنی عادی بپذیرد، چه برنامه‌ای را در کلاس به‌اجرا در بیاورد که هم نیازهای دانش‌آموزان ناتوان و هم دانش‌آموزان عادی آن کلاس را برآورده کند.

توسعه‌ی ایستگاه‌های مهارتی سنتی

یکی از راه‌های جای دادن نیازهای دانش‌آموزان شدیداً ناتوان، توسعه دادن ایستگاه‌های مهارتی سنتی است. فواید ایستگاه مهارتی سنتی توسعه یافته عبارت است از:

(الف) توسعه‌ی پیوستار مهارت سنتی، برای جای دادن دانش‌آموزان با سطوح مهارت پایین

(ب) فراهم کردن سطوح و تغییرات کوچک‌تر، برای نشان دادن پیشرفت‌های کندتر

(ج) تهیه‌ی الگوهای حرکتی جایگزین و راهبردهایی برای دانش‌آموزانی با ناتوانی‌های جسمی که قادر به اجرای فعالیت موجود در روش‌های سنتی هستند.

در اصل توسعه‌ی ایستگاه‌های مهارتی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند که فعالیت‌هایی را که دارای تناسب سنی مناسب هستند، به طریقی اجرا کنند که قدرت و توانایی‌های فردی آن‌ها را پررنگ‌تر نشان دهد.

توسعه‌ی ایستگاه‌های مهارتی، مستلزم فهرست کردن سلسله مراتبی مهارت‌ها در طول یک پیوستار تکاملی است، هر چند پیوستار با سطح پایین شروع می‌شود و مراحل ترقی کوچک‌تری بین سطوح موجود است، تا دانش‌آموزان با سطح ناتوانی شدید را در خود جای دهد. علاوه بر این، روش‌های جایگزین برای تحقق اهداف یک فعالیت، برای دانش‌آموزانی که قادر به اجرای مهارت موجود در تکنیک‌های سنتی نیستند نیز، در پیوستار گنجانده شده است. در فعالیت بعدی، هدف فعالیت ممکن است یکی باشد، اما این‌که چگونه رسیدن به هدف به توانایی‌های ویژه فرد بستگی دارد. برای نمونه، پرتاب توپ داخل سبد، در ایستگاه بسکتبال هدف است. یک دانش‌آموز با اختلال ذهنی، ممکن است نتواند توپ را شوت کند، یا حتی آن را نگاهدارد، اما همان دانش‌آموز علاقه‌مند است در این ایستگاه مهارتی، با هم‌سالان خود شرکت کند. برای چنین دانش‌آموزی شوت کردن، عبارت است از هل دادن توپ به داخل سینی لبه‌داری که بر روی جعبه‌ای روی زمین قرار دارد، یا استفاده از یک وسیله‌ی تعدیل شده‌ی بسکتبال که وقتی با یک کلید فعال می‌شود، توپ را به سبد شوت می‌کند. هر چند تکنیکی که آن دانش‌آموز به‌کار می‌برد، با تکنیکی که دانش‌آموزان عادی به‌کار می‌برند کاملاً متفاوت است، ولی هدف از این فعالیت که همان پرتاب توپ به داخل سبد است، یکی است. لذا دانش‌آموز روی یک فعالیت متناسب با سن خودش و در محیط یکسان، بدون تأثیر رشد مهارتی هم‌سالان عادی‌خویش،

مشکل محدودی ایستگاه‌های سنتی آن است که آن‌ها اغلب نیازهای دانش‌آموزان با ناتوانی شدید را برآورده نمی‌کنند. سطوح مهارتی دانش‌آموزان با ناتوانی‌های شدید، اغلب به روشنی پایین‌تر از سطوح مهارتی در پیوستار است و پیشرفت این دانش‌آموزان در یک مهارت ویژه به‌طرز ناراحت‌کننده‌ای کند است